یادداشت میهمان

این همه هیاهو در منطقه برای چیست؟!

با توجه به مذاکرات پنج‌شنبه گذشته انریکه مورا معاون هماهنگ‌کننده اتحادیه اروپا در تهران، قرار است در روزها و یا در یکی، دو هفته و شاید هم یک ماه آینده، احتمالا مذاکرات برجام مجدداً از سر گرفته شود. اما با توجه به سیاست جدید جمهوری اسلامی به‌نظر می‌رسد آمریکا و رژیم صهیونیستی و چند متحد اروپایی آنها، خود را از قبل بازنده این مذاکرات تصور می‌کنند. در این راستا نخست‌وزیر و وزیرخارجه تازه کار رژیم صهیونیستی برای تحت‌الشعاع قرار دادن این شکست، برای خودنمایی در سازمان ملل به یک خیمه شب بازی، شبیه خیمه‌شب‌بازی نتانیاهو دست زدند و در سفری به آمریکا تلاش کردند علیه ایران فضاسازی کنند، اما مورد استقبال کشورهای جهان واقع نشدند، حتی دولت‌هایی که با آنها رابطه دارند! لذا از یک سو علت و از سوی دیگر هدف صهیونیستها و آمریکایی‌ها از تناقض‌گویی‌های روزهای اخیر درباره ایران چیست؟! در این خصوص درک چند نکته مهم است:

۱- یائیر لاپید وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی با اذعان به شکست سفر نخست‌وزیر این رژیم به واشنگتن برای بررسی طرح‌های جایگزین در برابر ایران، در یک عقب‌نشینی آشکار گفت «جایگزینی برای توافق هسته‌ای ایران وجود ندارد و آمریکا هیچ نوع اشتیاق یا آمادگی برای بررسی طرح جایگزین در صورت شکست مذاکرات هسته‌ای و یا حتی شرکت نکردن ایران در این مذاکرات، نشان نداد»! شبکه سعودی العربیه هم تصریح کرد:«این مسئله در اسرائیل قطعی است که آمریکا اصلا به فکر گزینه نظامی نیست، به همین علت اسرائیل کشورهای غربی و آمریکا را تشویق می‌کند تا از گزینه‌های صلح‌آمیز دیپلماتیک در مقابله با ایران استفاده کنند!».

۲- هرچند جمهوری اسلامی هیچ وقت به‌دنبال سلاح هسته‌ای نبوده و نیست و این موضوع برای جهان روشن شده است، اما علی‌رغم ادعاها و خیمه‌شب‌بازی‌های نتانیاهو و نفتالی بنت نخست‌وزیران قبلی و فعلی رژیم صهیونیستی در سازمان ملل و فضا سازی‌های سیاسی - رسانه‌ای غربی‌ها، اولا؛ تایپر هایمن رئیس نهاد اطلاعاتی ارتش صهیونیستی اذعان کرد«ایران در مرحله‌ای نیست که سلاح هسته‌ای بسازد و طبق داشته‌های ما ایران در حال حرکت به سمت ساخت و دستیابی به بمب اتمی و خروج از فرایند صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود نیست». ثانیا؛ یوسی کوهن رئیس سابق موساد هم که زمانی خود سردمدار فضاسازی درباره ساخت بمب هسته‌ای علیه ایران بود، در کنفرانس روزنامه جروزالم پست اذعان کرد «ایران تاکنون حتی به دستیابی به سلاح هسته‌ای نزدیک هم نشده است!».نکته جالب اینجاست که علی‌رغم این اذعان‌ها، صهیونیست‌ها باز نمی‌توانند خباثت ذاتی خود را پنهان نمایند و این دو در همان مصاحبه و کنفرانس، ایران را تهدید و درحالی که ادعا کردند ایران منزوی‌تر شده!، اما پاسخ ندادند پس این همه فضاسازی و فریاد و خودزنی‌های رژیم صهیونیستی علیه ایران برای چیست؟!

۳- نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی پس از ناکامی در سازمان ملل که شبکه تلویزیونی رژیم صهیونیستی اذعان کرد «اسرائیل هیچ راهبرد و برنامه‌ای علیه ایران ندارد و این مهم‌ترین موضوعی بود که نخست‌وزیر جدید اسرائیل در سازمان ملل چیزی از آن نگفت»، و همچنین بعداز شکستش در سفر به واشنگتن،در یک اقدام غیرمعمول و غیردیپلماتیک مجبور شد برای داشتن دستاویزی با پمپئو وزیر خارجه سابق آمریکا دیدار و به ادعای او درباره تهدید ایران گفت وگو کند! این دست به دامنِ پمپئو شدن هم خود نشانه دیگری از ضعف و شکست اسرائیل در مقابل محور مقاومت است، چرا که آمریکا با تعطیلی میز مستقلی که پمپئو برای ایران در سازمان سیا ایجاد کرده بود،عملاً و رسما شکست مقابل ایران را پذیرفته و اگر افرادی همچون پمپئو توان اقدامی علیه ایران را می‌داشتند، با آن همه خصومت و دشمنی که با ملت ایران دارند، در دوران مسئولیت شان به کار می‌گرفتند!

۴- تنها بهره بنت از سفر به واشنگتن تکرار اذعان نانسی پلوسی رئیس مجلس آمریکا بود که گفت:«حمایت از اسرائیل در زندگی و دی‌اِن‌اِی و خون هر دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات ریشه دارد!». البته این حمایت نیز اکنون فقط به حرف محدود شده و در عمل به شدت زیر سؤال رفته است چراکه مایک پمپئو نیز با تجربه گذشته‌اش در ناکامی شروط ۱۲گانه و تهدید گزینه نظامی‌اش مقابل جمهوری اسلامی، در کنفرانس جروزالم پست آب صافی را روی دست بنت ریخت و اذعان کرد«هرگونه اقدام اسرائیل علیه ایران خطر عذرخواهی آمریکا و جسورتر شدن جمهوری اسلامی را در پی دارد!». روزنامه اسرائیل‌هیوم نیز بعداز اینکه بایدن نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی را در زمان مقرر به حضور نپذیرفت، نوشت «اسرائیل و امنیت آن دیگر جزو اولویت‌های آمریکا نیست!» این یعنی ادعای «امنیت اسرائیل، امنیت آمریکاست»، در عمل در حال تبدیل شدن به این گزاره است که «هرگونه تلاش برای تامین امنیت اسرائیل، تهدیدی برای امنیت آمریکا محسوب خواهد شد» و آمریکا قبل از نگرانی در مورد امنیت اسرائیل، نگران امنیت و منافع خود است که در سراسر جهان در تیررس نیروهای مقاومت قرار دارد. لذا این ادعای آمریکایی‌ها که «امنیت راهبردی و حیاتی شما، امنیت ماست»، برای متحدانش چه در منطقه و چه در خارج از منطقه و حتی برای متحدان اروپایی‌اش، مفهومش را از دست داده و آنها درک کرده‌اند که توهّم امنیت از آمریکا، لاجرم سیلی حماقت را به دنبال خواهد داشت و سعودی‌ها نیز با همین درک تن به مذاکره با ایران دادند! عبارت «امنیت شما، امنیت ماست» در عالم سیاست یعنی وقتی دو دست از دو فرد برای مصافحه به هم می‌رسند، دلیلی نمی‌شود که در دست دیگر آنان خنجری وجود نداشته باشد! لذا اهداف نهان چنین سخنانِ در زرورق پیچیده شده آمریکایی‌ها را باید مثل دستگاه «ایکس‌رِی» تشخیص داد و امنیت ملی را هیچ‌گاه در روابط بین‌الملل جست وجو نکرد، بلکه باید بر توانایی‌های خود تکیه کرد.

۵- اما این همه فضاسازی‌های تناقض‌آمیز ناشی از بحث اصلی یعنی خروج تدریجی آمریکا از منطقه است که موازنه امنیتی در منطقه را به ضرر رژیم صهیونیستی تغییر خواهد داد و ادعای جایگزینی رژیم صهیونیستی به جای آمریکا در منطقه و احتمال راهبرد تهاجمی اسرائیل علیه ایران نیز گزافه‌گویی‌هایی برای پنهان کردن به خطر افتادن موجودیت اسرائیل و نزدیک شدن رژیم صهیونیستی به ساعت پایان عمر خود بر اساس وعده حق رهبری و تلاشی برای دریافت تضمین‌هایی جهت تاخیر در تحقق این وعده جبهه مقاومت است.

۶- اما چرا پمپئو وزیرخارجه سابق آمریکا مجبور شد به طورعلنی چنین اذعانی داشته باشد؟ چون رؤسای‌جمهور سابق و فعلی آمریکا از هر دو حزبی که ژن حمایت از اسرائیل در خونشان است، اذعان می‌کنند «آمریکا دیگر ابرقدرت نیست و در حال از دست دادن موقعیت و قدرت خود است!» بعد از آشکارسازی ضعف‌های آمریکا از سوی ترامپ، حالا بایدن نیز با هشدار نسبت به تبدیل شدن تورم به چالش و مشکل اصلی آمریکا می‌گوید «روراست می‌گویم آمریکا دیگر مثل گذشته رتبه نخست نیست و همه چیز به طرز باورنکردنی در حال تغییر است و این تغییر به دشمنان ما پیام‌هایی می‌دهد»! نماینده اسبق آمریکا در سازمان ملل هم «شکاف‌های داخلی و همه‌گیری نفرت از آمریکا» حتی در بین خود آمریکایی‌ها را یکی از خطرناک‌ترین و بزرگ‌ترین تهدیدات علیه آمریکا و مضرتر از هر ویروسی برشمرده و گفته است «این چالش‌های داخلی باعث تضعیف جایگاه آمریکایی‌ها در صحنه بین‌المللی شده و به همین علت آمریکا در نشان دادن قدرت خود در برابر ایران ضعیف است». از سوی دیگر مرکز ضد جاسوسی سازمان سیا با بررسی ده‌ها پرونده در چند سال اخیر در گزارشی فوق محرمانه، به شکست طرح‌هایش در سراسر دنیا و به‌ویژه علیه ایران با لو رفتن جاسوسانش و همچنین به قدرت فزاینده ایران در به‌کارگیری ابتکاراتی مانند اسکن‌های بیومتریک، شناسایی چهره، هوش مصنوعی و ابزار هک به منظور رهگیری افسران سازمان سیا و نفوذ ایران در سیستم محرمانه ارتباطاتی سازمان سیا و شناسایی شبکه‌های این سازمان، اذعان می‌کند.

۷- تحولات سریع منطقه حاصل رخدادهای زنجیره واری است که «هر کدام متأثر از دیگری» و «همگی متأثر از هم» و «همه متأثر از همه» هستند. نکته مهم این تحولات این است که همه این رخدادها، هم از «دلایل» شکست آمریکا و تقویت قدرت و گسترش نفوذ محور مقاومت در منطقه، و هم از «نشانه»های این دو مولفه است. خروج آمریکا از افغانستان و چشم‌انداز خروجش از عراق علی‌رغم فتنه‌انگیزی در انتخابات اخیر، ناکام ماندن آمریکا در ایجاد تنش در مرزهای شرقی و شمالی ایران با حضور طالبان در افغانستان و گروه‌های تروریستی و صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و مهار این چالش‌ها با مدیریت مقتدرانه جمهوری اسلامی، اجلاس شانگهای، ارسال سوخت ایران به لبنان و ونزوئلا و شکست تحریم‌های آمریکا، مذاکرات ایران و عربستان و چشم‌انداز احتمالی پایان جنگ یمن، بازگشت کشورهای عربی به دمشق برای بازگشایی سفارتخانه‌های خود و بازگشت سوریه به اتحادیه عرب، و... و نهایتا پیشرفت‌های هسته‌ای و در پیش گرفتن سیاست بهبود وضعیت اقتصادی ایران با گسترش روابط با همسایگان و کشورهای منطقه بدون توجه به هر نتیجه احتمالی مذاکرات برجامی، و در نتیجه هیاهوهای آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها، همگی نشان می‌دهد که آنها نگران مرحله پساآمریکا در منطقه هستند که به سرعت در حال بروز است و به مرحله پسااسرائیل ختم خواهد شد.

دکتر محمدحسین محترم

نتایج نظرسنجی دانشگاه مریلند

افزایش محبوبیت رئیسی به ۷۸ درصد نگاه منفی به آمریکا ۸۵ درصد

نتایج یک نظرسنجی جدید در آمریکا نشان داد که ایرانی‌ها کماکان اعتمادی به وعده‌های دولت آمریکا ندارند ، از برنامه موشکی کشور حمایت کرده و نسبت به بهبود اوضاع امیدوارند.

نظرسنجی مشترک دانشگاه مریلند و مرکز افکارسنجی «ایران پل» (Iran Poll) که روز دوشنبه منتشر شد نشان داد که مردم ایران از ایالات متحده رویگردان شده‌اند و به سیاست جدید جمهوری اسلامی ایران در نگاه به شرق نگاه مثبتی دارند. این نظرسنجی در بازه زمانی ۳۰ اوت تا ۹ سپتامبر از طریق تلفن و اینترنت انجام شده و نشان می‌دهد حمایت مردمی از توافق هسته‌ای برجام به شدت کاهش یافته است.

کاهش اعتماد به برجام و آمریکا

کمتر از نیمی از ۱۰۰۱ شرکت‌کننده در این نظرسنجی گفتند که «به شدت» یا «تا حدودی» برجام را تایید می‌کنند، در حالی که این رقم در سال ۲۰۱۶ نزدیک به ۷۵ درصد بود. ۲۷ درصد از پاسخ دهندگان گفتند که «به شدت مخالف» این توافق هستند.

تقریباً دوسوم پاسخ دهندگان گفتند که حتی اگر واشنگتن به توافقی که «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور سابق آمریکا در سال ۲۰۱۷ از آن خارج شد بازگردد «تا حدی بعید» یا «بسیار بعید» است که به تعهداتش در این توافق عمل کند. تنها یک سوم از پاسخ‌دهندگان گفتند که واشنگتن «تا حدی محتمل» یا «بسیار محتمل» است که از برجام پیروی کند.

در حالی که ۲۷ درصد از شرکت‌کنندگان گفتند که ایران و ایالات متحده باید هر دو برای بازگشت به برجام نرمش نشان دهند ۵۲ درصد گفتند که ایران باید قاطعانه روی خواسته‌هایش پافشاری کند و از طریق اروپایی‌ها واشنگتن را به پذیرش آنها مجاب کند. این در حالی است که ۱۶ درصد می‌گویند که تهران حتی نباید برای احیای توافق تلاش کند.

حمایت بی‌سابقه از رئیسی

این نظرسنجی که تنها چند هفته پس از تحلیف «آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی» رئیس‌جمهور ایران انجام شد، حمایت بی‌سابقه‌ای از رئیس‌جمهور جدید را نشان داد. ۷۸ درصد از پاسخ دهندگان گفتند که نظرشان نسبت به رئیس‌جمهور جدید تاحدی مطلوب (۳۳ درصد) یا بسیار مطلوب (۴۵ درصد) است.

این عملکرد به معنی بهبود ۵۰ درصدی وضعیت رئیسی نسبت به ماه مه ۲۰۱۷ است، زمانی که او در انتخابات مغلوب حسن روحانی، رئیس‌جمهور سابق ایران شد. در همان نظرسنجی، ۶۰ درصد گفته بودند به محمد جواد ظریف، وزیر خارجه ایران که برای برجام مذاکره کرد نظر مطلوبی دارند. در نظرسنجی فعلی، نتایج برعکس شده و محبوبیت روحانی به تنها ۲۰ درصد سقوط کرده است.

افزایش حمایت از روابط ایران با شرق

در پاسخ به این سؤال که آیا ایران باید بیشتر بر تقویت روابط دیپلماتیک و تجاری خود با کشورهای اروپایی مانند آلمان، فرانسه و انگلیس تمرکز کند یا باید بیشتر در جهت تقویت روابط دیپلماتیک و تجاری خود با کشورهایی چون روسیه، چین و هند تلاش کند، ۵۴ درصد موافق روابط ایران با کشورهای جهان شرق بودند. این رقم حدود ۶ درصد نسبت به دو سال قبل افزایش یافته است. این نظرسنجی همچنین نشان داد که ۵۷ درصد از پاسخ دهندگان گفتند که روابط ایران با چین «بسیار» یا «تا حدودی» مطلوب است. این پیشرفت به ویژه با توجه به نتایج یک سال پیش قابل توجه بود، هنگامی که نرخ مقبولیت چین به کمتر از ۴۰ درصد کاهش یافت.

نگاه بسیار منفی ایرانی‌ها به آمریکا

در مورد تصورات از ایالات متحده، ۸۵ درصد از پاسخ دهندگان عنوان کردند که تصور آنها نسبت به آمریکا «تاحدی نامطلوب» (۹.۴ درصد) یا «بسیار نامطلوب» (۷۵.۹ درصد) بوده است. از این حیث ۸۹ درصد حاضران در این نظرسنجی تصور بدتری نسبت به عربستان داشتند.

تداوم سیاست‌های خصمانه بایدن در قبال ایران

در حالی که رتبه بندی واشنگتن در آخرین نظرسنجی تنها دو یا سه درصد بهتر از دوران ترامپ بود، این نظرسنجی نشان داد که بسیاری از ایرانیان هرگونه امیدواری نسبت به کاهش سیاست خصمانه بایدن در قبال ایران را از دست داده‌اند. در پاسخ به این سؤال که سیاست‌های بایدن در قبال ایران را در مقیاس صفر (کاملا خصمانه) تا ۱۰ (کاملاً دوستانه) ارزیابی می‌کنند، ۶۷ درصد در محدوده صفر تا چهار نمره دادند. در فوریه ۲۰۲۱، تنها حدود نیمی (۵۲ درصد) انتظار داشتند که سیاست‌های بایدن نسبت به ایران خصمانه باشد. بیش از ۴۰ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی به بایدن صفر یا یک دادند، در حالی که در فوریه این رقم از هر سه نفر، یک نفر بود.

آگاهی آمریکا از ترور دانشمندان ایران و خرابکاری‌های هسته‌ای

این نظرسنجی همچنین نشان داد که خصومت‌ها با ایالات متحده به وضوح عمیق است و به زمان تاسیس جمهوری اسلامی باز می‌گردد. ۷۶ درصد از پاسخ دهندگان معتقدند که واشنگتن از انفجارهای اخیر در تاسیسات هسته‌ای نطنز مطلع بوده است. ۸۵ درصد اظهار داشتند بر این باورند که آمریکا از ترور دانشمندان هسته‌ای ایران به دست عوامل رژیم اسرائیل، اطلاع داشته است. ۸۳ درصد گفتند که آمریکا حتی از حمله داعش در عراق مطلع بوده و ۹۱ درصد نیز گفتند که آمریکا از حمله عراق به ایران در زمان «صدام حسین» رئیس‌جمهور اسبق این کشور مطلع بوده است.

بیش از چهار نفر از پنج شرکت‌کننده (۸۳ درصد) از ادامه یا گسترش تلاش‌های دیپلماتیک جاری برای کاهش تنش‌های منطقه‌ای حمایت کردند و اکثریت ۵۴ درصدی گفتند که ایران باید از طریق مذاکره راه‌حل‌های قابل قبول متقابل با سایر کشورها را پیدا کند، در حالی که ۴۳ درصد بر این باورند که ایران باید به «قدرتمندترین کشور منطقه» مبدل شود.

حمایت ایرانی‌ها از برنامه موشکی

با این وجود، از هر ۱۰ شرکت‌کننده، هفت نفر از برنامه موشکی ایران که نگرانی اصلی ایالات متحده، رژیم اسرائیل و همسایگان عرب خلیج‌فارس ایران است، با بیان «خیلی مهم» دفاع کردند. ۲۰ درصد نیز گفتند که برنامه موشکی ایران «تا حدودی مهم» است.

در این نظرسنجی عملاً هیچ شواهدی از نارضایتی گسترده از نظام ایران که برخی مفسران آمریکایی ادعا می‌کنند در آستانه فروپاشی یا نزدیک آن است، یافت نشد.

بارقه امید بین شهروندان ایرانی

در حالی که ۷۴ درصد حاضران در این نظرسنجی اقتصاد کشور را «تا حدودی» (۱۹ درصد) یا «بسیار بد» (۵۴ درصد) توصیف کردند، تقریباً نیمی عوامل خارجی، به ویژه تحریم‌های ایالات متحده (۲۷ درصد) و ۲۲ درصد نیز همه‌گیری کرونا را در درجه اول مقصر بودن بابت وضعیت اقتصادی دانستند. نتایج دیگر این نظرسنجی نشان داد که اکثریت ۵۴ درصدی بر این باورند که انتظار دارند ایرانیان سه سال آینده بهتر زندگی کنند. علاوه‌بر این، این نظرسنجی نشان داد که اکثریت بسیاری از پاسخ دهندگان، ۷۰ تا ۸۰ درصد، گفتند که «به برخی» یا «تا حد زیادی» به نهادهای اساسی کشور از جمله قوه قضائیه، ریاست‌جمهوری و مجلس اعتماد دارند. اعتماد به پلیس و ارتش حتی بالاتر از ۸۳ درصد بود.

گفت و شنود

فرار کن !

گفت: وزیر کشور گفته است اعضای FATF خودشان قاچاقچی و پولشو هستند.

گفتم: احسنت ! گردش پولی تجارت سیاه مواد مخدر در سال به ده‌ها میلیارد دلار می‌رسد. این مبالغ فوق‌نجومی از طریق بانک‌های بزرگ اروپایی و آمریکایی منتقل می‌شوند. اینهمه پول را که با چمدان و کیسه گونی جابه‌جا نمی‌کنند!

گفت: همین دو روز پیش در افشاگری موسوم به پاندرا فاش شد که در بانک‌های غربی پولشویی‌های کلان انجام می‌شود و لندن بزرگ‌ترین مرکز پولشویی جهان است.

گفتم: آن وقت همین قاچاقچیان دزد و آدمکش به ایران فشار می‌آورند که برای جلوگیری از پولشویی باید FATF را بپذیرد!

گفت: دَم وزیر کشور گرم که دزدی و پولشویی آمریکا و اروپا را خوب شناسایی و فاش کرده است.

گفتم: پدر و پسری رفته بودند دزدی، صاحبخونه بیدار شد و دنبالشون کرد و خطاب به پسر گفت؛ وایستا گوساله! پسر به پدرش گفت؛ بابا تو فرار کن منو شناسایی کردند!

رسانه صهیونیستی اعلام کرد

گرم شدن روابط ایران و کشورهای عربی تل‌آویو را نگران کرده است

منابع عبری‌زبان خبر دادند اقدامات دولت جدید ایران برای بهبود روابط با کشورهای عربی منطقه، رژیم صهیونیستی را نگران کرده است.

روزنامه عبری‌زبان «اسرائیل هیوم»، دیروز (سه‌شنبه)، گزارش داد که اقدامات اخیر دولت جدید ایران برای بهبود روابط با کشورهای عربی، باعث نگرانی تل‌آویو شده است.

پایگاه خبری «عرب۴۸» به نقل از اسرائیل هیوم گزارش داد که «با گرم شدن روابط ایران و چند کشور عربی معتدل در منطقه»، نگرانی در اراضی اشغالی حکم‌فرما شده است که این یعنی تل‌آویو شرط‌بندی خود درباره پیوستن کشورهای عربی به ائتلاف ضدایرانی را باخته است.

اسرائیل هیوم می‌گوید که کابینه تل‌آویو عامل این گرمای روابط را با سیاست‌های آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای که آن را «منفی» تلقی می‌کند، مرتبط می‌داند.

این روزنامه عبری در ادامه می‌افزاید که از زمان انتخاب رئیسی به عنوان رئیس جمهور، «ایران برای بهبود روابط خود با چند کشور در خاورمیانه بسیار تلاش کرده است از جمله کشورهایی که معتدل به شمار می‌روند و شاخص‌ترین آنها عربستان سعودی است. پس از چند سال قطع روابط میان دو طرف، احتمال از سر گرفته شدن روابط دیپلماتیک میان این دو کشور از جمله بازگشایی کنسولگری‌ها افزایش یافته است.»

به گزارش فارس، اسرائیل هیوم اضافه کرد: «به موازات این گام، روابط ایران و قطر نیز گرم‌تر شده و از سوی دیگر، گفت‌وگوی تلفنی اول غافلگیرکننده‌ای نیز میان امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه ایران و همتای اردنی او صورت گرفت.»

در ادامه گزارش یادشده آمده است: «در اسرائیل این گام‌ها با نگرانی بسیاری دنبال می‌شود و این تنها بر اعتماد فزاینده ایرانیان به عرصه منطقه‌ای و جهانی دلالت ندارد بلکه نشان می‌دهد که آنها متوجه شده‌اند که خروج آمریکا از منطقه برای آنها عرصه را برای اقدام و اثرگذاری بیشتر می‌کند.»

این در حالی است که رسانه‌ها پیشتر گزارش داده بودند که یکی از اهداف تل‌آویو برای عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی ایجاد ائتلافی ضدایرانی بوده است.

اسرائیل هیوم همچنین خبر داد که مقامات رژیم صهیونیستی در این خصوص با همتایان آمریکایی خود بحث و تبادل نظر کرده‌اند و تل‌آویو در جریان این تماس‌ها عنوان کرده است: «به منظور ایجاد توازن در برابر تلاش ایرانی‌ها برای کشاندن برخی از کشورهای عربی به سوی خود، به حمایت و اثرگذاری آمریکا نیاز است».

خبر ویژه

مذاکراتی که تحریم‌ها را لغو نکند قابل احیای مجدد نیست

یک دیپلمات وابسته به طیف مدعیان اصلاحات و اعتدال می‌گوید پلتفرم دولت روحانی برای مذاکره معلوم بود و دولت رئیسی هم باید پلتفرم خود را معلوم کند.

محمدحسین ملائک در روزنامه همشهری نوشت: وزارت امور خارجه همزمان با آخرین جمع‌بندی‌های مذاکراتی دولت سیزدهم در برجام اعلام کرده مسیر مذاکرات آتی از اقتصاد کشور جدا خواهد بود و نخواهد گذاشت معیشت مردم مشروط به مذاکرات باشد.

وی می‌افزاید: دولت‌های قبلی اذعان داشتند که اقتصاد با تحریم‌ها یک معادله حاصل جمع صفر است که اگر تحریم وجود داشته باشد اقتصاد نخواهد بود. این مسئله در طول مذاکرات برجام مشهود بود. دولت جدید همسو با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که به لحاظ تئوری محاسبات صحیحی دارد، اعلام می‌کند مذاکرات برجام هم بسته صرف اقتصاد باقی نخواهد ماند. مفهوم عملی چنین سخنی آن است که اگر آمریکا اعلام کند جلوی ارتباط بانک‌های ایرانی و خارجی را مسدود می‌کند، دولت سیزدهم برایش یک راه‌حل خواهد داشت. مردان اقتصادی و دیپلماتیک دولت آقای سیدابراهیم رئیسی می‌بایست در آینده پیشنهادهای جایگزین خود را در این مسیر اعلام کنند. پلتفرم دولت آقای روحانی برای مذاکره عبارت از این بود که امکانات هسته‌ای تحدید و تحریم‌ها نیز برداشته می‌شود و در این چارچوب چانه‌زنی و برایش تصمیم‌گیری می‌شد. دولت جدید نیز باید پلتفرم خودش را اعلام و مشخص کند.

درباره این تحلیل گفتنی است که اولاً تنها راه رفع تحریم، مذاکره - آن هم مبتنی بر اعتماد به آمریکا و دادن امتیاز- نیست. بلکه راه جایگزین و مؤثرتر، مهار و خنثی‌سازی تحریم‌ها با ابزارها و شیوه‌های مختلف است. به عنوان مثال وقتی آمریکا تعهد خود به رفع تحریم‌های نفتی را زیر پا گذاشت و تلاش کرد درآمدهای نفتی کشورمان را به حداقل برساند، اهتمام به صادرات فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی و انواع شیوه‌های تهاتر نفت و متنوع‌تر کردن مشتریان موجب شد بخش مهمی از این درآمدها احیا شود یا حتی صادرات نفت که به ۵۰ هزار بشکه رسیده بود، به بالای ۱ تا ۱/۵ میلیون بشکه برسد.

ثانیاً روش برجامی مذاکره با آمریکا، محدود کردن برنامه هسته‌ای (در حد تعطیلی ۹۵ درصد آن)، دادن امتیازهای نقد ظرف ۲ ماه و رفتن به دنبال نقد کردن چک‌های برگشت خورده برجام به مدت ۶ سال، اصلاً روش -به تعبیر نویسنده «پلتفرم»- قابل اعتنایی نیست که بتوان به عنوان یک مدل به آن اشاره کرد. تحریم‌ها در این روند برجامی از ۷۰۰ تحریم به بیش از ۱۵۰۰ تحریم رسید و دولت‌های آمریکا در ادوار مختلف با گروگان‌گیری برجام، برای باج‌خواهی‌های جدید خبر داشتند، یعنی نه تنها مسئله ولو به طور موقت حل نشد، بلکه حجم بیشتری از تحریم‌های اقتصادی را به همراه آورد.

ثالثاً گزارش‌های متعدد محافل جهانی و غربی- چه محافل اقتصادی مثل صندوق بین‌المللی پول و چه رسانه‌ها- تأکید دارند که ایران در همین شرایط فعلی «بازگرداندن توازن در روند عدم اجرای برجام» توانسته از اوج تحریم‌ها عبور کند و با رسیدن به ثبات نسبی اقتصادی، دورنمای رشد اقتصادی و کاهش تورم را برای سال میلادی جدید ترسیم کند (گزارش اخیر صندوق بین‌المللی پول). بنابراین ضرورتی ندارد که حل مشکل اقتصاد صرفاً به تحریم‌ها و رفع تحریم‌ها نیز صرفاً به اراده خباثت‌آلود آمریکا گره زده شود.

روحانی به شعارهایش عمل نکرد او نمی‌تواند منتقد وضع موجود باشد

عضو حزب اتحاد ملت می‌گوید؛ مقایسه روحانی با مرحوم هاشمی و توقع ایفای نقش مشابه هاشمی از سوی روحانی، توقع بیجایی است.

در حالی که برخی کارگزاران مدعی‌اند روحانی می‌تواند نقش مرحوم هاشمی را در سیاست ایفا کند. جلال جلالی‌زاده به نامه‌نیوز گفت: «آقای هاشمی بخش مهمی از نظام محسوب می‌شد، با رهبری ارتباط نزدیکی داشت، در دستگاه‌های مختلف حرفش شنیده می‌شد و بین جریان‌های سیاسی نفوذ کلام داشت. آقای روحانی هیچ‌یک از این ویژگی‌ها را ندارد و قیاس آقای روحانی با آقای هاشمی از اساس غلط است. آقای روحانی بعد از این نمی‌تواند هیچ نقش مهمی در عالم سیاست ایران داشته باشد، مگر آنکه در مسئولیتی منصوب شود و جز این خاصه در مناصب انتخاباتی هیچ جایگاهی نخواهد داشت».

وی همچنین گفته است: وضعیت روحانی با خاتمی و احمدی‌نژاد فرق دارد. آنها هرکدام در دوره خود، دارای پایگاه مردمی بوده‌اند. اما آقای روحانی به دلیل شکل شخصیتی‌اش و البته عملکرد دولتش از سوی هیچ طیفی حمایت نمی‌شود؛ بنابراین نمی‌تواند هدایتگر بخشی از جامعه باشد».

او درباره اینکه آیا بعد از این روحانی نقش اپوزیسیون داخل نظام را ایفا می‌کند یا خیر، بیان کرد: «آقای روحانی در طول هشت‌سال فعالیتش در دولت نتوانست به شعارهایش عمل کند. او بیش از چهار دهه در نظام کار کرده است». او با هیچ فرضی نمی‌تواند منتقد وضع موجود باشد.

این فعال سیاسی در پاسخ به این پرسش که آیا روحانی می‌تواند نقش لیدری دو جریان اصلاح‌طلب و اعتدالی را ایفا کند یا نه، اظهار کرد: «آقای روحانی بین اصلاح‌طلبان هیچ جایگاهی ندارد. او در سال‌های دولتش باعث آسیب‌دیدن سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان شد. حتما اصلاح‌طلبان او را محل رجوع خود نمی‌دانند و نخواهند دانست. آقای روحانی در بین اصولگرایان ولو اصولگرایان معتدل هم جایگاهی ندارد. درباره اعتدالیون وضعیت شاید فرق داشته باشد زیرا آنها تا آخرین لحظه از دولت روحانی حمایت کردند اما معلوم نیست حالا که دیگر روحانی در قدرت نیست همان‌هایی که روزگاری طرفداران سفت و سختش بودند، پای بایستند یا خیر».

همزمان علی مطهری گفته است: تفکر آقای روحانی به آقای هاشمی نزدیک‌تر است و اگر بتواند همان نقش هاشمی را ایفا کند، خیلی موفق خواهد بود. البته برای آنکه آقای روحانی نقش آقای هاشمی را ایفا کند، نیاز به شجاعت بیشتری دارد یعنی آنجا که نیاز است وارد شود و اظهارنظر کند. روشی که آقای روحانی در دوره ریاست جمهوری داشت روش محافظه‌کاری بود. اگر بخواهد به آن شکل باشد نمی‌تواند نقش آقای هاشمی را ایفا کند.

زیاده‌روی در تحریم آمریکا را ضعیف و ایران را قوی کرد

یک اندیشکده آمریکایی با هشدار درباره تداوم تحریم‌ها علیه ایران تاکید کرد: نتایج مورد انتظار کاخ سفید برعکس از آب درآمده و ایران در حال تنوع بخشیدن به اقتصاد خود و خروج از وابستگی به درآمد نفت است.

اندیشکده کوئینسی در تحلیل خود خاطرنشان کرده است: بازگشت به تحریم‌ها، منافع دولت آمریکا را تامین نمی‌کند و تحریم‌ها به عنوان ابزاری برای تحت فشار گذاشتن ایران نتیجه‌ای به‌دنبال نخواهد داشت. ایران به دیپلماسی آمریکا به عنوان اسب تروا نگاه می‌کند. عنایت کنم که ایالات متحده ابتدا از برجام کنار رفت و آشکارا رهبر ارشد نظامی ایران را ترور کرد. تلاش برای هدف قرار دادن یکی از معدود مسیرهای تجاری ایران، احتمالاً سوء ظن تهران را به سیاست‌های ریاکارانه آمریکا تأیید می‌کند و انگیزه بازگشت به مذاکرات هسته‌ای را از بین می‌برد.

چین هم که به واردات نفت خام وابسته است، بعید به نظر می‌رسد روابط اقتصادی و دیپلماتیکش را با ایران از بین ببرد و به نفع بزرگ‌ترین رقیب ژئوپلیتیک خودش عمل کند. چین هنوز از توافق نامه آمریکا و استرالیا در ماه گذشته در زمینه زیردریایی‌ها عصبانی است. از سوی دیگر، با توجه به موافقتنامه‌های اقتصادی اخیر چین و ایران و الحاق ایران به سازمان همکاری شانگهای کمتر محتمل است که چین به نفع واشنگتن و ضرر تهران عمل کند.

تحریم‌ها ناتوان از جلوگیری از گسترش برنامه هسته‌ای ایران هستند. حتی جنگ اقتصادی نادرست علیه ایران موجب تهاجمی‌تر شدن رفتار ایران در حملات نیابتی به نیروهای آمریکا و برخی نفتکش‌ها و تأسیسات نفتی عربستان در منطقه شد. از سوی دیگر ایران سطح غنی‌سازی را افزایش داده است.

تحریم‌ها مانع از فعالیت شبکه نیابتی ایران نشده، نیروهایی که هنوز در سوریه فعالیت می‌کنند. اعمال فشار بر اقتصاد ایران، هیچ نوع آسیبی به فعالیت‌های نظامی منطقه‌ای آن وارد نکرده است.

یکی از اهداف اعلام نشده کمپین تحریم‌ها، اعمال فشار کافی برای برانگیختن شورش مردمی علیه جمهوری اسلامی است. این سیاست در نهایت نتیجه معکوس داشته است. نظامی‌ترین عناصر سیاست ایران، قدرت‌شان را تثبیت کرده‌اند. این امر به خاطر تحریم‌هایی است که اعتماد به جایگزین‌های میانه‌رو را تضعیف می‌کند.

تحریم‌ها مانند یک بمب ساعتی هستند. استفاده بیش از حد از تحریم‌ها قدرت آمریکا را از بین می‌برد. همچنین ایران در حال فاصله گرفتن از اقتصاد نفتی است و به اقتصاد خود تنوع بخشیده تا تولید داخلی خود را در اولویت قرار دهد. ایران پس از ۳۰ سال تحریم متناوب به این نتیجه رسیده که ایالات متحده به هر حال تحریم‌هایش را اعمال خواهد کرد. ایرانی‌ها این را یک امر مسلم تلقی کرده‌اند و با این واقعیت سازگار شده‌اند. سیاست تحریم‌ها منافع آمریکا را تامین نمی‌کند. آمریکا برای نجات مذاکرات وین باید بخشی از سنگین‌ترین تحریم‌ها را متوقف کند.

مقصران تخلف از بودجه و هدررفت منابع باید محاکمه شوند

یک روزنامه اصلاح‌طلب درباره گزارش توزیع بودجه سال ۹۹ تصریح کرد سوء عملکرد دولت در هدررفت منابع با وجود وضعیت کسری بودجه و محدودیت منابع اتفاق افتاده و مقصران باید محاکمه شوند.

روزنامه آرمان با اشاره به گزارش تخلفات و تخطی‌ها از قانون بودجه توسط دولت نوشت: این بی‌نظمی‌هایی که به عق